

تعریف خانواده و رابطه آن با ثبات جامعه

هنوز در اکثر تعاریف از خانواده بر این نکته تاکید می شود که خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات و استحکام آن است و ارتباطات سالم و مناسب در جامعه بر اساس مناسبات متعادل و متوازن در خانواده به وجود می آید.



خبرگزاری مهر- هنوز در اکثر تعاریف از "خانواده" بر این نکته تاکید می شود که خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات و استحکام آن است و ارتباطات سالم و مناسب در جامعه بر اساس مناسبات متعادل و متوازن در خانواده به وجود می آید.

تعریف خانواده

درباره تعریف خانواده و چگونگی شکل گیری و اهداف آن، هر گروهی از علما و دانشمندان بنا به ذوق و سلیقه خود مطالبی بیان نموده اند که به طور کلی در مورد تعریف آن می توان گفت خانواده کوچکترین و در عین حال مهمترین واحد اجتماعی می باشد که باعث تولید نسل و تکثیر انسان ها و نگهداری و تربیت آنها می باشد.

در بحث خانواده نقش زنان و مادران را در تشکیل آن نمی توان نادیده گرفت چرا که نوزاد در آغوش پر مهر و محبت مادر رشد می کند و کلیه قواعد و مسائل زندگی را از قبیل محبت کردن، راه رفتن، ادب، اخلاق و نزاکت را فرامی گیرد و در این مرحله است که شخصیت او شکل می گیرد و رفتار و کردار وی تحت کنترل و نظارت و مراقبت والدین قرار دارد چنانکه از کارهای بد و نادرست او را منع کرده و در انجام کار های خوب تشویق می نمایند تا وقتی که وارد سایر کانونهای اجتماعی مانند مهد کودک و مدرسه بشود و بتواند خود را بشناسد و با آن محیط ها و امور مربوط به آنها توجیه نماید و تا حدودی استعداد های خود را بروز دهد.

بدیهی است در این زمینه نقش پدر را که به عنوان رئیس یا مدیر خانواده و بر حسن انجام امور آن نظارت و مراقبت دارد را نیز نمی توان نادیده گرفت. برای اینکه امور و وظایف سنگین زندگی از لحاظ تهیه جا و مکان و تامین وسایل زندگی مورد نیاز افراد خانواده که در قانون به آنها نفقه گویند از وظایف و تکالیف اختصاصی او می باشد. خانواده هسته اصلی و اساسی اجتماع است که با توجه به ارزش های تاریخی، قومی، قبیله ای و زبان و فرهنگ و مذهب و موقعیت جغرافیایی و زمان و مکان و عرف و قوانین حاکم بر هر کشور فرق می نماید.

دربحث از ساخت و مناسبات و تحولات نظام خانه و خانواده، اکثر محققین سعی در پیاده کردن ایده آل ها و مطلوب های ذهنی خود دارند و نوشته های آنها همیشه مملو از بایدها و نبایدها و دستورات اخلاقی برای بهبود شرایط زندگی خانوادگی است. هرگز به تجزیه و تحلیل واقعیات موجود خانواده و چراهای زندگی خانوادگی نمی پردازند و نمی خواهند ویا نمی توانند تصور کنند که خانواده نیز مانند بسیاری از عناصر و اندام های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی می تواند مطابق با تحولات امروزی ارتباط، مناسبات و ابعاد خود را متحول کرده و شکل و ساختار دیگری پیدا کند.

ثبات جامعه وابسته به خانواده سالم

کاهش وسعت ابعاد خانواده، اشتغال مادران و فعالیت های خارج از خانه نوعی دگرگونی پی در پی ارزش های اجتماعی در اثر گسترش نظام سرمایه داری و نابرابری های بسیاری از معیارهای ارزشی، اخلاقی و معنوی خانواده ها را دگرگون کرده و تشخیص و تمیز سره از ناسره را برای والدین و مربیان و مسئولین دشوار ساخته است. لذا به نظر می رسد که توجه و شناخت و ریشه یابی این تحولات و تاثیر آنها بر مناسبات خانوادگی در معنای خاص و روابط اجتماعی در معنای عام و گسترده بتواند در ارائه راهکارهای علمی جهت سرو سامان بخشیدن به ارتباطات خانوادگی موثر و مفید واقع شود.

نکته مشترکی که هنوز در اکثر تعاریف مربوط به خانواده در نظر گرفته می شود این است که خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات و استحکام آن است و ارتباطات سالم و مناسب در جامعه بر اساس مناسبات متعادل و متوازن در خانواده به وجود می آید. به درستی هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند. چنانچه از خانواده های متعادل و سالم برخوردار نباشد و هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدید آمده باشد.

از سوی دیگر خانواده از آنجا که نماد و یا نشان اجتماعی است و برآیند یا انعکاس از کل جامعه است در یک جامعه منحط نیز خانواده ها خود به خود منحط خواهد بود. به نظر می رسد که امروزه تحولات و دگرگونی های پی در پی سیاست های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای صنعتی و فرا صنعتی که در اغلب موارد با هدف و نیت های سوداگرانه و تجاری و یکسان سازی بی سابقه الگوهای

فرهنگی به کشورهای جهان سوم نفوذ می کنند. اثرات عمیقی بر جو فرهنگی جامعه و فرهنگ خانواده ها گذاشته است. البته این آثار دربرخی از موارد مثبت، اما دربرخی دیگر به دلیل بی برنامه بودن، عدم اتخاذ سیاست های فرهنگی و اقدامات و تدابیر مناسب جهت برخورد با فرهنگ تحمیلی، منفی است.